

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۰

صص ۷۰ - ۸۷

## رابطه متقابل امنیت ناحیه‌ای و توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی

### با تأکید بر سیستان و بلوچستان

دکتر جواد اطاعت\* - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

سیده زهرا موسوی - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۳/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۱/۶

#### چکیده

امنیت موضوعی استنباطی است که مفهوم آن ثابت اما محتوای جغرافیایی - سیاسی آن تابع شرایط زمان و مکان تغییر می‌کند. در گذشته امنیت ملی عمدتاً از نظر تهدید نظامی خارج از مرزها مورد توجه قرار می‌گرفت که مقابله با آن نیز ساز و کار نظامی داشت. اما امروزه این مفهوم از حوزه تعاریف کلاسیک خود خارج شده و رابطه تنگاتنگی با توسعه‌یافته است. در گذشته پیشرفت و اعتلای واحدهای سیاسی با حاکمیت عقلانیت ابزاری با نگرشی محدود و تک سویه مترادف ایجاد و تداوم رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شد. اما توسعه مفهومی فراتر از رشد اقتصادی و به بیان دیگر محیط بر رشد است. این نگرش از اواخر دهه ۱۹۶۰ دچار تغییر و تحولات اساسی در مفهوم خود گردید. به طوری که پس از کنفرانس جهانی استکهلم، گزارش براتلند و همچنین گزارش ریودوژانیرو، در پارادایم جدید خود با عنوان توسعه پایدار، تمامی زوایای زندگی انسان را با تأکید بر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه منابع، مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین توسعه نابرابر در فضاهای سیاسی یک سرزمین می‌تواند بستر مناسبی را برای ایجاد متغیرهای اثرگذار بر مؤلفه‌های امنیت ملی و تکوین نواحی بحرانی فراهم نماید.

امروزه این تهدید بیشتر متوجه نظام‌های سیاسی متمرکز است که ساختار مرکز-پیرامون را شکل می‌دهند. این ساختارها عمدتاً شامل حاشیه کمتر توسعه‌یافته نسبت به مرکز می‌باشند. در ایران نیز چنین ساختاری منجر به برهم خوردن تعادل و توازن منطقه‌ای بین مرکز و پیرامون گردیده است و مهمتر آنکه نواحی پیرامونی اکثراً

منطبق بر نواحی قومی-مذهبی می‌باشد. در چنین شرایطی تمایزات افزایش می‌یابد و عامل واگرایی تقویت می‌گردد. با توجه به رهیافت فوق، این تحقیق با در نظر گرفتن ارتباط مستقیم میان امنیت ملی و توسعه ملی، به بررسی سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور به منظور مقایسه استان‌های مرزی و مرکزی با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان پرداخته است. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مدل تاکسونومی عددی، نشان می‌دهد که شکاف عمیقی میان سطح توسعه‌یافتگی استان سیستان و بلوچستان نسبت به دیگر نواحی وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: امنیت، توسعه، توسعه پایدار، سیستان و بلوچستان، ایران.

## ۱- مقدمه

جوامع انسانی به‌وسیله طیفی از علائق، ترجیحات، ارزش‌ها و ایده‌ها مشخص می‌شوند و در جامعه بزرگتر و پیچیده‌تر، تفاوت‌ها بزرگتر، آشکارتر، پیچیده‌تر و اغلب عمیق‌ترند (لفت ویچ، ۱۳۸۵: ۱۸). این تفاوت‌ها می‌توانند در مذهب، زبان، قومیت و نژاد نمودار گردند. همچنان‌که الگوی ملت در ایران ترکیبی و ناموزون است. این ترکیب نامتوازن می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل واگرایی، از حیث امنیتی پدیده‌ای منفی ارزیابی گردد. لکن این عامل واگرایی تحت سیاست توسعه‌ای پایدار که عدالت اجتماعی و برابری منطقه‌ای را در پی داشته باشد، نه تنها قابل کنترل است بلکه باعث ارتقاء همگرایی می‌شود.

این در حالی است که سیستم مرکز-پیرامونی در ایران، منجر به برهم خوردن توازن و تعادل منطقه‌ای گردیده و ایجاد حاشیه‌های کمتر توسعه‌یافته را موجب شده است. این حاشیه‌ها که اکثراً منطبق بر نواحی قومی-مذهبی می‌باشند در چنین شرایطی بیش از پیش می‌توانند مستعد واگرایی نسبت به بخش مرکزی گردند. در واقع نابرابری ناحیه‌ای می‌تواند به بی‌ثباتی سیاسی-امنیتی انجامیده و بستری برای تکوین نواحی بحرانی مهیا سازد.

احساس عقب ماندگی از مسیر توسعه، در میان گروه‌های قومی-مذهبی، بستر مناسبی را برای ایجاد و تقویت متغیرهای اثرگذار بر مؤلفه‌های امنیت ملی در کشور فراهم می‌نماید. همان‌طور که هم‌اکنون عمده مناطق بحرانی کشور منطبق بر حاشیه است. در این میان سیستان و بلوچستان در رده مناطق بحرانی دائمی و خفیف قرار می‌گیرد. علی‌رغم تأکید فراوان بر

عدالت اجتماعی، تعادل و توازن منطقه‌ای و توسعه برابر در قانون اساسی و قوانین توسعه کشور، شاخص‌های توسعه اقتصادی- زیربنایی و اجتماعی-فرهنگی نشان دهنده شکاف‌های عمیق بین مناطق مرزی یا حاشیه و دیگر مناطق کشور یا بخش مرکزی می‌باشد. در میان نواحی مرزی کشور، استان سیستان و بلوچستان علاوه بر محرومیت‌هایی که در بنیادهای زیستی آن وجود دارد، از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی تقریباً در پایین‌ترین سطح در مقایسه با متوسط‌های ملی قرار می‌گیرد.

با توجه به رهیافت فوق، این مقاله با مورد توجه قرار دادن مفهوم امنیت ملی، به بررسی سطح توسعه‌یافتگی استان‌های مرزی کشور نسبت به دیگر مناطق با تأکید بر استان سیستان و بلوچستان می‌پردازد.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- امنیت

واژه امنیت به‌عنوان یک مفهوم عام تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می‌خورد. در واقع امنیت تضمین‌کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۴: ۳۲۷). از طرفی امنیت موضوعی استنباطی است که واقعیت یافتن‌اش در محیط، مستلزم اقدامات و برنامه‌ریزی ویژه‌ای است. در حالی که مفهوم امنیت ثابت است، محتوای جغرافیایی-سیاسی امنیت تابع شرایط زمان و مکان تغییر می‌کند. به‌طور کلی امنیت برای یک کشور عبارت است از داشتن یا به‌دست آوردن اطمینان نسبت به سلامت «موجودیت» و «مایملک» نسبت به «اعتبار و موقعیت» و نسبت به همه آنچه زیر چتر «منافع ملی» قرار می‌گیرد. و یا می‌توان گفت «امنیت ملی»<sup>۱</sup> عبارت است از شرایطی که در آن منافع ملی و ارزش‌های داخلی یک ملت از گزند خطرهای و تهدیدهای داخلی و خارجی دور نگاه داشته شود. به گفته دیگر، توان جامعه در حفظ و پیگیری منافع

ملی و بهره‌گیری از ارزش‌های داخلی به دور از تهدیدهای داخلی و خارجی را «امنیت ملی» می‌گویند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۷۸). امنیت ملی که رابطه تنگاتنگی با اقتدار ملی دارد، در گذشته از نظر تهدید نظامی معنی‌دار بود که سرچشمه آن نیز خارج از مرزها دیده می‌شد و برای مقابله با آن ساز و کار نظامی پیشنهاد می‌گردید (حافظ‌نیا، همان)؛ ولی این مفهوم در قرن بیست و یکم نمی‌تواند تابع تعاریف کلاسیک خود باشد و بیش از این نمی‌تواند بر پایه اقتدار نظامی یک ملت ارزیابی شود. شوروی پیشین یکی از مقتدرترین و مجهزترین نیروهای رزمی جهان را در اختیار داشت، ولی بی‌بهره بودنش از اقتدار ملی متکی بر اقتصاد ملی سالم، سبب سرنگون شدن آن ابرقدرت گردید (مجتهدزاده، همان). بنابراین امروزه امنیت ملی علاوه بر بعد نظامی دارای ابعاد دیگری از جمله اقتصادی و زیست محیطی می‌باشد و سرچشمه و منبع تهدید نیز خارج از مرزها و داخل مرزها هر دو دیده می‌شود و راه و کار مقابله با آن نیز به صورت ترکیبی پیشنهاد می‌گردد (حافظ‌نیا، همان). امنیت داخلی<sup>۱</sup> نیز حالتی از تفوق نظم و قانون در یک جامعه می‌باشد (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۵: ۶۵).

## ۲-۲- توسعه<sup>۲</sup> و توسعه پایدار<sup>۳</sup>

توسعه یکی از صور خاص تغییر و دگرگونی است. تغییری مستمر، درازمدت و هدفدار برای حصول به هدفی خاص که در تمامی تجارب انسانی به وقوع می‌پیوندد (قوام، ۱۳۷۴: ۲۲). در گذشته تنها رشد اقتصادی یک جامعه مورد توجه قرار می‌گرفت و منظور از آن افزایش تولید ناخالص ملی آن جامعه بود اما توسعه مفهومی فراتر از رشد اقتصادی دارد و به بیان دیگر محیط بر رشد است. توسعه فرایندی است که در آن یکسری تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می‌پیوندد. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که همراه با توسعه حتماً رشد اقتصادی حاصل شود اما رشد اقتصادی ممکن است توسعه به بار نیاورد (روزبهان، ۱۳۷۱: ۱۲).

---

۱- Internal Security

۲- Development

۳- Sustainable Development

با توجه به رهیافت فوق اگر توسعه را به توانایی و تسلط بشر بر امکانات موجود برای زندگی بهتر و رفع حواجی مادی و معنوی تعریف کنیم، علاوه بر رشد اقتصادی که بر گسترش توانایی‌های ابزاری تأکید دارد و مبتنی بر اقتصاد معیشتی و تولید و رفاه مادی است، توانایی‌های زبانی را نیز مد نظر دارد و متضمن تغییرات اساسی در همه زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی عقیدتی است (اطاعت، ۱۳۷۸: ۷۹). این تعریف از توسعه نیز از اواخر دهه ۱۹۶۰ مورد اعتراض‌های فزاینده‌ای از دیدگاه تعادل بوم‌شناسانه قرار گرفت که نقطه اوج آن کنفرانس جهانی استکهلم در ۱۹۷۲ و انتشار گزارش معروف براتلند<sup>۱</sup> در ۱۹۸۷ و گزارش ریودوژانیرو<sup>۲</sup> در ۱۹۹۲ بود. پس از آن مفهوم توسعه از انحصار دیدگاه‌های قبلی خارج شده و تعادل‌های بوم‌شناسانه با مفهوم نوین توسعه با عنوان توسعه پایدار پیوند یافته‌اند (صرافی، ۱۳۷۷: ۳۳). این‌گونه توسعه، نیازهای کنونی را بدون کاهش توانایی نسل‌های آتی در برآوردن نیازهایشان، برآورده می‌کند (Brandtland Report, ۱۹۸۷) و مفاهیمی نظیر محیط زیست، شهر، روستا، انرژی، عدالت اجتماعی، توزیع عادلانه ثروت، مشارکت مردم در تصمیم‌گیریها و برنامه‌ریزی‌ها را شامل می‌گردد. در واقع، همه زوایای زندگی انسان امروزی و نسل‌های آینده را دربر می‌گیرد (شکویی، ۱۳۸۲: ۲۶۸).

سیاست توسعه‌ای پایدار نیز، سیاستی است که نه تنها بهره‌وری و درآمد، بلکه دگرگون ساختن مناسبات طبقه و گروه همسود، از جمله فرد و اجتماع در نقش‌های چندگانه موضوع، فاعل و بهره‌وران از توسعه را زیر پوشش بگیرد، تعداد هرچه بیشتری از مردم را قادر سازد که در تولیدی مشارکت جویند و سهم شوند که به افزایش رفاه، هم به صورت ناخالص و هم به صورت خالص منجر شود. بنابراین یک سیاست توسعه‌ای پایدار، باید بر این پایه استوار باشد که فقر، محصول نهایی انحصاری کردن ابزار تولید و در نتیجه، حاشیه‌ای کردن فرایندهای تولید و توزیع برای بخش اعظمی از مردم است (ال ماگوبونج، ۱۳۶۸: ۵۶). در واقع آنچه در مرکز توسعه پایدار قرار دارد، انسان است. جیمز گوستاو اسپت مدیرعامل برنامه توسعه ملل

---

۱- Brandtland Report

۲- Rio Declaration

متحد<sup>۱</sup> توسعه پایدار انسانی را توسعه‌ای دانسته است که نه تنها رشد اقتصادی ایجاد می‌کند بلکه منافع آن را هم عادلانه توزیع می‌کند (ترنر، ۱۳۷۸: ۱).

در این رابطه، توسعه پایدار توسعه‌ای چند وجهی و دارای شاخص‌های متعدد می‌باشد. در این پژوهش آن شاخص‌هایی مدنظر است که منجر به توازن و تعادل منطقه‌ای در سطح ملی گردیده و عدالت اجتماعی را که به بررسی و تشریح توزیع مسئولیت‌ها و منافع جامعه مربوط می‌شود، برقرار می‌سازد.

### ۳-۲- امنیت و توسعه

هدف اصلی و تغییرناپذیر هر حکومت ملت‌پایه، بقای ملی بوده که این مهم در گرو امنیت ملی است و این مسئله نیز از میزان توانایی حکومت در حفظ وحدت ملی، توسعه متوازن منطقه‌ای و در نهایت رضایت شهروندان متأثر است. از این رو یکی از مهمترین عواملی که امنیت یک کشور را مورد تهدید قرار می‌دهد وجود نابرابری‌های فضایی بین مناطق مختلف جغرافیایی آن کشور است (احمدی‌پور و رومینا، ۱۳۸۶: ۹۱)، چنان‌که این نابرابری‌ها، بویژه بین مناطق مرکزی و پیرامونی می‌تواند شکاف‌های سیاسی را عمیق‌تر کند و نارضایتی ناحیه‌ای را موجب گردد (درایسل و بلیک، ۱۳۷۳: ۲۲۰). از طرف دیگر توسعه و حرکت به سوی آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت ملی در کشور می‌انجامد و امنیت ملی نیز، یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی را فراهم می‌آورد (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۲).

کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. در قوانین مختلف جمهوری اسلامی، اصل برابری و ارتباط میان توسعه متوازن و امنیت ملی مورد توجه قرار گرفته است. بنابر اصل نوزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود. در اصل چهل و هشتم قانون اساسی آورده شده است که در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید

تبعیض در کار نباشد، به طوری که در هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس باشد.

همچنین در سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم انداز (بند ۱۴)، تقویت امنیت و اقتدار ملی با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی و تعادل منطقه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. در برنامه‌های اول تا چهارم توسعه کشور نیز همواره بر برقراری عدالت اجتماعی، تعادل و توازن منطقه‌ای و اصلاح ساختار فضایی توسعه کشور تأکید گردیده است. در ماده ۷۵ قانون برنامه چهارم توسعه، توسعه مناطق مرزی با هدف تقویت همگرایی‌های ملی و پیوند مناطق مرزی با اقتصاد ملی و فراملی مورد توجه قرار گرفته است و در بخش پنجم همان قانون (ماده ۱۱۹) نیز با عنوان تأمین مطمئن امنیت ملی و به منظور ارتقاء امنیت عمومی، دولت را به توسعه مشارکت همه‌جانبه همه ایرانیان بر اساس حق برابر شهروندی، در نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و مدیریت اجرایی کشور و همچنین حفظ و ارتقاء منزلت اجتماعی گروه‌های مختلف مردم و پیشگیری از بحران منزلتی موظف نموده است.

#### ۴-۲- فضا و توسعه فضایی

فضا حجم مکانی و زمانی مجموعه‌ای از تمام فعالیت‌هایی است که انسان در راه تسلط بر طبیعت و برای بقای خود انجام می‌دهد و به عبارت دیگر منظور، فضایی اقتصادی-اجتماعی است که منعکس کننده تمام هستی جوامع انسانی است. تجلی تلاش انسان‌ها در جوابگویی به نیازهایشان در جامعه، رشد و توسعه فضایی را پدید می‌آورد. گاه اقدامات هدفمند و تلاش‌های آگاهانه انسان و گاه فعالیت‌های خودبه خودی و اتفاقی او به توسعه فضایی منجر می‌شود. الگوهای سکونت و بناهای احداث شده، مراکز فعالیت، نظام‌های ارتباطی و بسیاری پدیده‌های دیگر تغییر و تکامل دوران مختلف یک کشور را نشان می‌دهند و تحولات رشد و توسعه را در فضا منعکس می‌نمایند (معصومی اشکوری، ۱۳۸۵: ۲۰).

## ۵-۲- سیستان و بلوچستان

در این استان دو ناحیه فرهنگی دیده می‌شود. ناحیه فرهنگی سیستان که بخش‌های شمالی استان سیستان و بلوچستان با مرکزیت زابل را تشکیل می‌دهد و ناحیه فرهنگی بلوچستان که تصور عمومی از آن با قاچاق مواد مخدر، فقر، خشکسالی و ناامنی پیوند خورده است (پورموسوی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۳). بلوچستان ایران فقط بخشی از سرزمینی است که بلوچ‌ها را در خود جای داده است. بلوچ‌ها در اصل ساکن ایران بوده‌اند. اما در دوران حکومت سلجوقیان در ایران و پس از حمله مغول، مهاجرت گسترده آنها از جنوب و جنوب شرق ایران به طرف شرق در مسیر سند و پنجاب در پاکستان کنونی آغاز شد. به طور کلی، بلوچستان بین ایران، پاکستان و افغانستان تقسیم شده است. بلوچستان ایران از نظر وسعت دومین منطقه بلوچ‌نشین است. حرکت‌های سیاسی محلی‌گرای بلوچ‌ها عمدتاً در بلوچستان شرقی در پاکستان متمرکز بوده است و تعداد اندکی از بلوچ‌های ایرانی نیز چشم به جانب شرق داشته‌اند. یک دلیل عمده فقدان گرایش‌های سیاسی قوی در میان بلوچ‌های ایرانی پیوندهای عمیق تاریخی، زبانی و فرهنگی بلوچ‌ها با ایران بوده است (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۷۸). اما عدم تجانس مذهبی و قومی بین این قسمت از کشور و قسمت مرکزی ایران همواره از علل واگرایی محسوب می‌گردد. در کنار عوامل انسانی، عوامل بازدارنده جغرافیایی و طبیعی نیز تأثیر فراوان داشته و دارد. به طوری که این منطقه به وسیله بیابان‌ها و کویرهای لوت و مرکزی از هسته اصلی جدا افتاده است (اخباری و محمدپور، ۱۳۸۶: ۳۰). در میان مراکز استان‌ها، زاهدان دورترین فاصله را با تهران دارد. بعد مسافت بر هم کنش فضاها و حجم ارتباطات را تقلیل می‌دهد و در نتیجه فرایند ادغام اجتماعی اقوام مختلف ملت و نیز اتصال فضاها جغرافیایی را دچار مشکل می‌سازد. قرار گرفتن فضاها گسترده و مثلثی شکل کویرهای داخلی ایران میان بلوچستان و بخش مرکزی کشور، باعث دورافتادگی جغرافیایی این منطقه شده و به آن موقعیت کاملاً حاشیه‌ای داده است. انزوای جغرافیایی در کنار سایر عوامل متمایز کننده، موجب شده است که بلوچ‌ها در سرنوشت ملی کمتر شریک باشند و در تحولات بزرگ درون



جامعه ملی ایران، نقش قابل توجهی بر عهده نداشته باشند (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۱۷۴). مشارکت سیاسی پایین مردم این ناحیه نشان دهنده بحرانی بودن وضعیت امنیت در این منطقه می‌باشد. همچنان‌که هم‌اکنون سیستان و بلوچستان در رده مناطق بحرانی دائمی و خفیف قرار می‌گیرد (طرح جامع تقسیمات کشوری، ۱۳۷۸: ۲۲). در واقع، قوم بلوچ همانند دیگر اقوام، به خودی خود تهدید تلقی نمی‌شوند بلکه هنگامی منبع تهدید و خطر می‌شوند که مؤلفه‌های ساختاری و کارکردی دیگری در کشور ایجاد شود که ناظر بر نابرابری در شاخص‌های توسعه در کشور باشد (حافظنیا و رومینا، ۱۳۸۵: ۳۵).



نقشه شماره ۱: محدوده مورد مطالعه

### ۳- روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی رابطه امنیت و میزان توسعه‌یافتگی استان‌های کشور به منظور مقایسه سطح توسعه‌یافتگی استان سیستان و بلوچستان نسبت به سطح توسعه‌یافتگی دیگر استان‌ها، پرداخته است. شاخص‌های مورد بررسی شامل ۱۵ شاخص است که در دو گروه اقتصادی- زیربنایی و اجتماعی- فرهنگی به صورت جدول شماره ۱ می‌باشد.

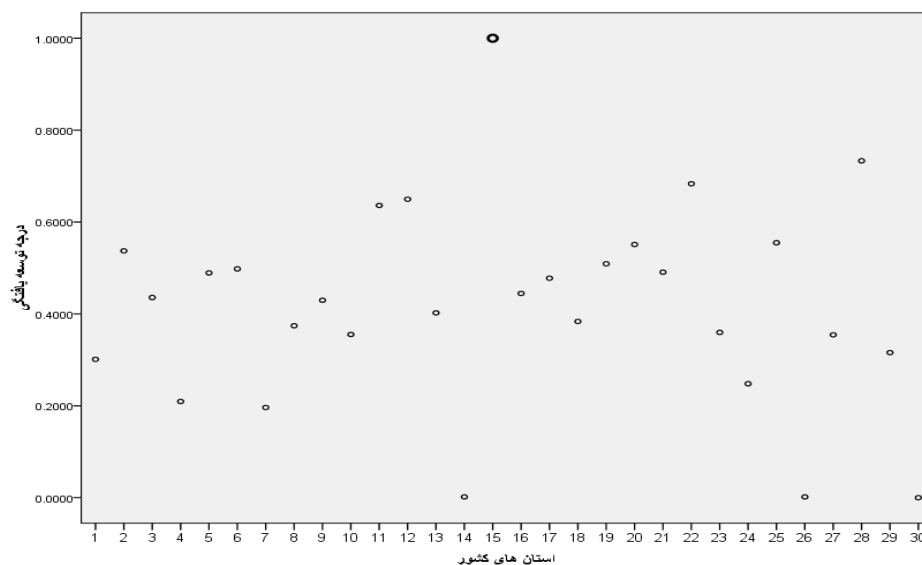
جدول شماره ۱: شاخص‌های مورداستفاده در تحقیق به تفکیک موضوع

شاخص	گروه
۱- نرخ مشارکت اقتصادی؛ ۲- جمعیت فعال از نظر اقتصادی؛ ۳- شاغلان کارگاههای صنعتی دارای ده نفر کارکن و بیشتر؛ ۴- تلفن‌های منصوبه؛ ۵- تعداد انشعابات آب؛ ۶- تعداد مصرف‌کنندگان گاز طبیعی؛ ۷- تعداد شهرهای گازرسانی شده؛ ۸- تعداد مشترکان برق خانگی؛ ۹- طول بزرگراهها.	اقتصادی- زیربنایی
۱- تعداد باسوادان در جمعیت ۶ ساله و بیشتر؛ ۲- نسبت معلم به دانش آموز؛ ۳- سرانه تخت‌های موجود در موسسات درمانی فعال؛ ۴- سرانه پزشکان شاغل در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی؛ ۵- سرانه مراکز بهداشتی و درمانی؛ ۶- تعداد کتابخانه‌های عمومی.	اجتماعی- فرهنگی

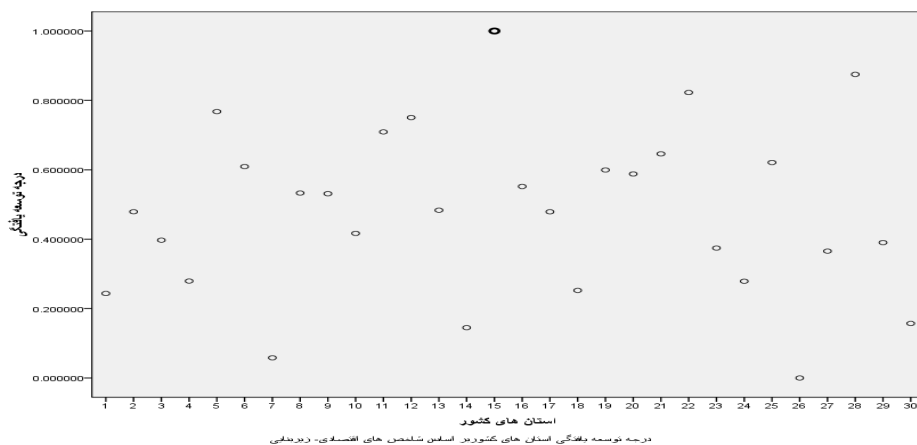
ارقام خام مربوط به شاخص‌های فوق از سالنامه آماری کشور استخراج گردیده و تبدیل به سرانه شده‌اند. سپس با استفاده از مدل تاکسونومی عددی، درجه برخورداری هر استان مشخص گردید که در این تحقیق با عنوان درجه توسعه‌یافتگی معرفی می‌گردد. دامنه این درجه بین مقادیر صفر و یک قرار می‌گیرد. هرچه درجه توسعه‌یافتگی به صفر نزدیکتر باشد، استان مورد نظر توسعه‌یافته‌تر و هرچه به عدد یک نزدیکتر باشد نشان دهنده توسعه‌یافتگی کمتر می‌باشد. نتایج نهایی برای مقایسه شهودی به صورت نمودار آورده شده است.

#### ۴- یافته‌های تحقیق

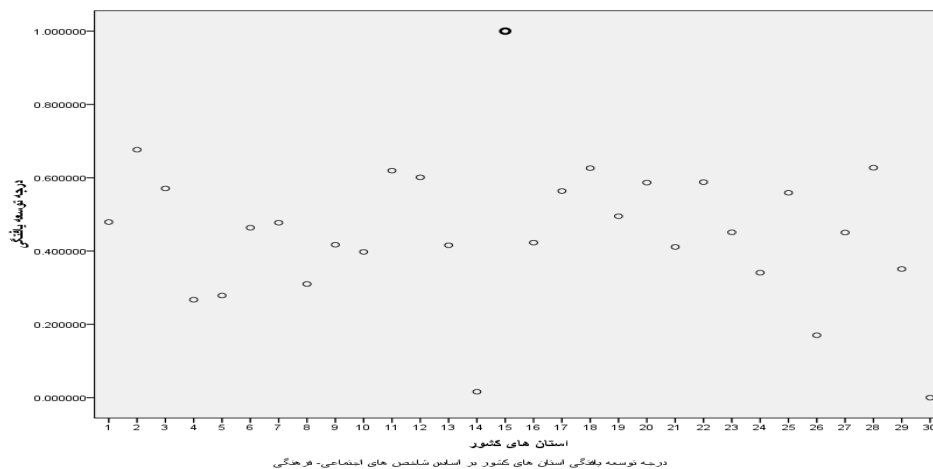
نتایج درجه توسعه یافتگی استان‌ها در جدول شماره ۲ و نمودارهای شماره ۱ و ۲ و ۳ آورده شده است. همان‌طور که دیده می‌شود استان‌های مرکزی در مقایسه با بخش پیرامون از توسعه یافتگی بیشتر و درجه دسترسی بالاتر به منابع ملی برخوردارند. در این میان استان سیستان و بلوچستان درجه توسعه یافتگی ۱ را به خود اختصاص داده که بر اساس مدل تاکسونومی عددی نشان دهنده پایین‌ترین سطح توسعه است.



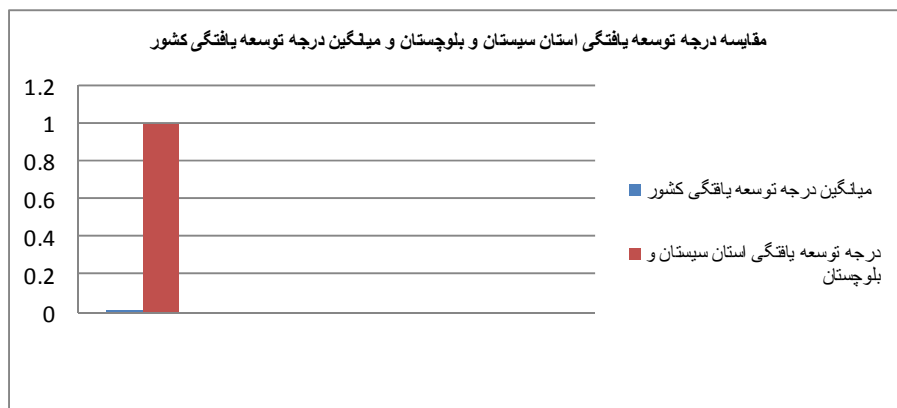
نمودار شماره ۱: درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور- کلیه شاخص‌ها (در این نمودار کد ۱۵ متعلق به استان سیستان و بلوچستان می‌باشد).



نمودار شماره ۲: درجه توسعه یافتگی استان های کشور بر اساس شاخص های اقتصادی - زیربنایی (در این نمودار کد ۱۵ متعلق به استان سیستان و بلوچستان می باشد).



نمودار شماره ۳: درجه توسعه یافتگی استان های کشور بر اساس شاخص های اجتماعی - فرهنگی (در این نمودار کد ۱۵ متعلق به استان سیستان و بلوچستان می باشد).



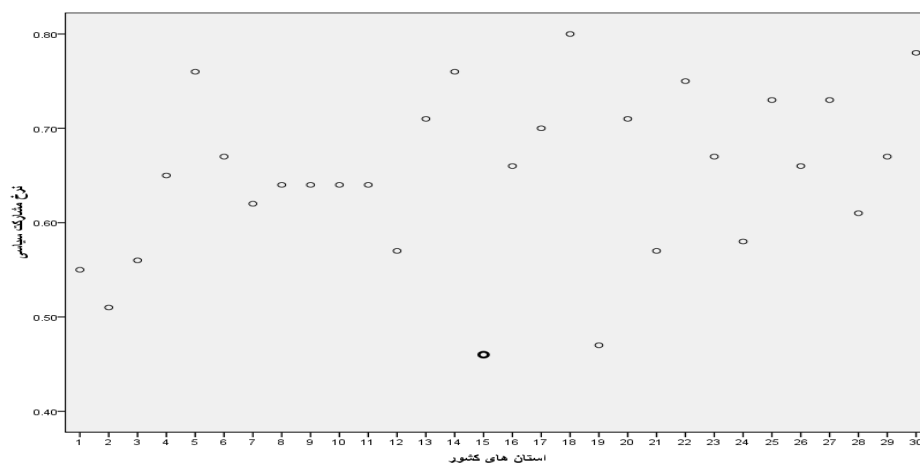
نمودار شماره ۴: مقایسه درجه توسعه یافتگی استان سیستان و بلوچستان و میانگین درجه توسعه یافتگی کشور

جدول شماره ۲: درجه توسعه یافتگی استان‌های کشور

کد استان	نام استان	درجه توسعه یافتگی	کد استان	نام استان	درجه توسعه یافتگی
۱	آذربایجان شرقی	۰.۳۰۱	۱۶	فارس	۰.۴۴
۲	آذربایجان غربی	۰.۵۳۷	۱۷	قزوین	۰.۴۷
۳	اردبیل	۰.۴۳۵	۱۸	قم	۰.۳۸۳
۴	اصفهان	۰.۲۰۹	۱۹	کردستان	۰.۵۰۹
۵	ایلام	۰.۴۸۹	۲۰	کرمان	۰.۵۵۱
۶	بوشهر	۰.۴۹۷	۲۱	کرمانشاه	۰.۴۹۰
۷	تهران	۰.۱۹۶	۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	۰.۶۸۳
۸	چهارمحال و بختیاری	۰.۳۷۴	۲۳	گلستان	۰.۳۵۹
۹	خراسان جنوبی	۰.۴۲۹	۲۴	گیلان	۰.۲۴۸
۱۰	خراسان رضوی	۰.۳۵۵	۲۵	لرستان	۰.۵۵۴
۱۱	خراسان شمالی	۰.۶۳۶	۲۶	مازندران	۰.۰۰۱
۱۲	خوزستان	۰.۶۴۹	۲۷	مرکزی	۰.۳۵۴
۱۳	زنجان	۰.۴۰۲	۲۸	هرمزگان	۰.۷۳۳
۱۴	سمنان	۰.۰۰۱	۲۹	همدان	۰.۳۱۵
۱۵	سیستان و بلوچستان	۱.۰۰	۳۰	یزد	۰.۰۰۱

منبع داده‌های خام: سالنامه آماری کشور و استان‌ها، سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶

این نابرابری در توسعه یافتگی بر دیگر تمایزات افزوده، اعتماد این منطقه را از دولت مرکزی سلب نموده و موجب کاهش مقبولیت نظام سیاسی گردیده است. مشارکت سیاسی پایین این منطقه را می‌توان دلیلی بر این مدعا دانست. شاخص مشارکت سیاسی از دیگر شاخص‌های تأثیرگذار در توسعه می‌باشد و می‌توان آن را به متغیرهای دیگر افزود اما به دلیل موانع موجود در راه هموزن کردن نتایج حاصله با سایر ضرایب در این تحقیق، این شاخص به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور میانگین نرخ مشارکت در ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری برای هر استان محاسبه گردیده و نتایج آن به صورت جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۵ نمایش داده شده است. در نمودار ۵ نزدیکی به عدد صفر نشان دهنده نرخ مشارکت کمتر و نزدیکی به عدد یک نشان دهنده نرخ مشارکت بالاتر می‌باشد. همان‌طور که دیده می‌شود استان سیستان و بلوچستان کمترین نرخ مشارکت در انتخابات ۹ دوره ریاست جمهوری را دارا می‌باشد.



نمودار شماره ۵: میانگین نرخ مشارکت در ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری در استان‌های کشور

جدول شماره ۳: میانگین نرخ مشارکت در ۹ دوره انتخابات ریاست جمهوری

کد استان	نام استان	میانگین نرخ مشارکت	کد استان	نام استان	میانگین نرخ مشارکت
۱	آذربایجان شرقی	۰.۵۵	۱۶	فارس	۰.۶۶
۲	آذربایجان غربی	۰.۵۱	۱۷	قزوین	۰.۷۰
۳	اردبیل	۰.۵۶	۱۸	قم	۰.۸۰
۴	اصفهان	۰.۶۵	۱۹	کردستان	۰.۴۷
۵	ایلام	۰.۷۶	۲۰	کرمان	۰.۷۰
۶	بوشهر	۰.۶۷	۲۱	کرمانشاه	۰.۵۷
۷	تهران	۰.۶۲	۲۲	کهگیلویه و بویراحمد	۰.۷۶
۸	چهارمحال و بختیاری	۰.۶۴	۲۳	گلستان	۰.۶۷
۹	خراسان جنوبی	۰.۶۴	۲۴	گیلان	۰.۵۸
۱۰	خراسان رضوی	۰.۶۴	۲۵	لرستان	۰.۷۳
۱۱	خراسان شمالی	۰.۶۴	۲۶	مازندران	۰.۶۶
۱۲	خوزستان	۰.۵۷	۲۷	مرکزی	۰.۷۳
۱۳	زنجان	۰.۷۱	۲۸	هرمزگان	۰.۶۱
۱۴	سمنان	۰.۷۶	۲۹	همدان	۰.۶۷
۱۵	سیستان و بلوچستان	۰.۴۶	۳۰	یزد	۰.۷۸

\* منبع داده‌های خام: آمار وزارت کشور (به دلیل عدم تفکیک آمار در کلیه دوره‌ها، یک رقم متوسط برای هر سه استان خراسان جنوبی، رضوی و شمالی در نظر گرفته شده است)

### ۵- نتیجه‌گیری

امنیت ملی با توسعه و عدالت سرزمینی رابطه مستقیم دارد. نابرابری‌های توسعه بین مناطق مرکزی و پیرامونی می‌تواند شکاف‌های سیاسی را عمیق‌تر نماید. این موضوع در کشورهایمانند ایران که از تنوع قومی- مذهبی در حاشیه برخوردارند، اهمیت بیشتری می‌یابد. این در حالی است که سیستم مرکز- پیرامونی در ایران، منجر به برهم خوردن تعادل و توازن در توسعه میان بخش حاشیه‌ای و بخش مرکزی گردیده و احساس عقب‌ماندگی از مسیر توسعه، در میان گروه‌های قومی- مذهبی بستر مناسبی را جهت تکوین نواحی بحرانی پدید آورده است. هم‌اکنون در ایران نواحی بحرانی متعددی وجود دارد که عمده‌تاً منطبق بر حاشیه است و

در این میان استان سیستان و بلوچستان در رده نواحی بحرانی دائمی و خفیف قرار می‌گیرد. از نقطه نظر عوامل مؤثر بر واگرایی، در این ناحیه، عدم تجانس زبانی، قومی و مذهبی با بخش مرکزی دیده می‌شود. محرومیت طبیعی، انزوای جغرافیایی و دوری از مرکز را نیز می‌توان بر عوامل فوق افزود؛ اما آنچه بیش از همه در رابطه با امنیت این منطقه و تأثیر آن بر امنیت ملی، باید مورد توجه قرار گیرد، میزان برخورداری از توسعه و منابع ملی و به‌طور کلی توسعه‌یافتگی این استان در مقایسه با دیگر نواحی و بخصوص بخش مرکزی است. در این تحقیق درجه توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از ۱۵ شاخص و بر اساس مدل تاکسونومی عددی مورد محاسبه قرار گرفت. بر اساس نتایج حاصله، استان سیستان و بلوچستان در میان ۳۰ استان کشور در پایین‌ترین سطح توسعه‌یافتگی قرار می‌گیرد. این عامل یعنی عقب‌ماندگی از دیگر استان‌ها در توسعه به‌همراه دیگر عوامل فوق، موجب شده‌اند که بلوچ‌ها خود را در سرنوشت ملی کمتر شریک بدانند و بر خلاف دیگر اقوام ایرانی، در تحولات بزرگ درون جامعه ملی ایران، نقش قابل توجهی به عهده نگیرند. نرخ مشارکت سیاسی پایین این منطقه در دوره‌های مختلف انتخابات ریاست جمهوری می‌تواند در این رابطه معنی‌دار باشد؛ اما علی‌رغم میل به مرکزگرایی، این ناحیه از کشور همواره خود را جزئی از جغرافیای سیاسی ایران می‌دانسته و کمتر در اندیشه جدایی‌طلبی و تأسیس دولت مستقل ملی بوده است؛ بنابراین تغییر نگرش بخش مرکزی نسبت به آن، برقراری عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثمرات توسعه ملی، تا اندازه زیادی می‌تواند به ایجاد و حفظ امنیت ملی کمک نماید.

## ۶- قدرت‌دانی

نگارندگان از مساعدتهای دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی در انجام این پژوهش قدردانی به‌عمل می‌آورند



## منابع

۱. احمدی‌پور، زهرا و دیگران (۱۳۸۶)؛ بررسی روند شتاب توسعه‌یافتگی فضاهای سیاسی- اداری کشور، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول.
۲. احمدی‌پور، زهرا و رومینا، ابراهیم (۱۳۸۶)؛ آمایش مناطق مرزی و امنیت ملی در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۳۸۶.
۳. احمدی، حمید (۱۳۷۸)؛ قومیت و قوم‌گرایی در ایران از افسانه تا واقعیت، تهران: نشرنی.
۴. اخباری، محمد و محمدپور، علی (۱۳۸۶)؛ بحران‌های مناطق پیرامونی و امنیت مناطق مرزی، نمونه موردی: مناطق مرزی ایران و افغانستان، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۳۸۶.
۵. ال ماگوبونج، آرپی. میسرا (۱۳۶۸)؛ ترجمه عباس مخبر، توسعه منطقه‌ای روش‌های نو، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
۶. پورموسوی، سید موسی و دیگران (۱۳۸۷)؛ سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره سوم.
۷. پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۸۵)؛ فرهنگ جغرافیای سیاسی، تهران: نشر انتخاب.
۸. ترنر، دانیل؛ آید دکارل ای. تیلر (۱۳۷۸)؛ ترجمه ناصر بلیغ، توسعه انسانی پایدار متکی به جامعه، تهران: انتشارات موسسه توسعه روستایی ایران.
۹. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۴)؛ اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت.
۱۱. حافظ‌نیا، محمدرضا و رومینا، ابراهیم (۱۳۸۵)؛ تحلیل ظرفیت‌های ژئوپلیتیک جنوب شرق و تأثیر آن بر منافع ملی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک.
۱۲. درایسل، آلاسدایر و بلیک، جرالده اج (۱۳۷۳)؛ ترجمه دره میرحیدر، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۱۳. روزبهان، محمود (۱۳۷۱)؛ مبانی توسعه اقتصادی، تهران: انتشارات روزبهان.
۱۴. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۶۸)؛ قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی و انتشارات.
۱۵. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۴)؛ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی و انتشارات.
۱۶. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۲)؛ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات.
۱۷. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۴)؛ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معاونت امور پشتیبانی، مرکز مدارک علمی و انتشارات.

۱۸. شکویی، حسین(۱۳۸۲)؛ اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: انتشارات موسسه جغرافیایی و کاتوگرافی گیتاشناسی.
۱۹. صرافی، مظفر(۱۳۷۷)؛ مبانی برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه؛ مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی.
۲۰. طرح جامع تقسیمات کشوری؛ گزارش تلفیق (۱۳۷۸)؛ وزارت کشور، دفتر تقسیمات کشوری.
۲۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تدوین جهانگیر منصور (۱۳۷۷)؛ تهران: نشر دوران.
۲۲. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۴)؛ نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی.
۲۳. لفت ویچ، آدریان، ترجمه جواد افشار کهن(۱۳۸۵)؛ دولت‌های توسعه‌گرا پیرامون اهمیت سیاست در توسعه، مشهد: مرن‌دیز، نی‌نگار.
۲۴. مجتهدزاده، پیروز(۱۳۸۱)؛ جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
۲۵. معصومی اشکوری، حسن(۱۳۸۵)؛ اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تهران: انتشارات پیام.
۲۶. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)؛ سالنامه آماری کشور.
۲۷. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)؛ سالنامه آماری کشور.
۲۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم انداز، تهران.
۲۹. وزارت کشور(۱۳۵۸)؛ آمار دوره نخست انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۳۰. وزارت کشور(۱۳۶۰)؛ آمار دوره دوم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۳۱. وزارت کشور(۱۳۶۰)؛ آمار دوره سوم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۳۲. وزارت کشور(۱۳۶۴)؛ آمار دوره چهارم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۳۳. وزارت کشور(۱۳۶۸)؛ آمار دوره پنجم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۳۴. وزارت کشور(۱۳۷۲)؛ آمار دوره ششم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۳۵. وزارت کشور(۱۳۷۶)؛ آمار دوره هفتم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۳۶. وزارت کشور(۱۳۸۰)؛ آمار دوره هشتم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.
۳۷. وزارت کشور(۱۳۸۴)؛ آمار دوره نهم انتخابات ریاست جمهوری به تفکیک استان.

۳۸. Rio Declaration on Environment And Development (۱۹۹۲); united Nations department of public information.

۳۹. [www.ace.mmu.ac.uk/Brandtland Report.html](http://www.ace.mmu.ac.uk/Brandtland Report.html).